

برپایه تمدن نوین اسلامی مستلزم وحدت نظری و گفتمانی جهان اسلام

برپایه تمدن نوین اسلامی مستلزم

وحدت نظری و گفتمانی جهان اسلام

چکیده

برای ادامه مسیر انقلاب و رسیدن به اهداف متعالی آن که ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج) است وحدت جامعه اسلامی و انسجام ملی باید حفظ شود. حفظ وحدت در زیر چتر ولایت فقیه و اطاعت عملی از فرامین ایشان لازمه رسیدن به اهداف متعالی انقلاب است وحدت باید زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد ترویج تفرقه در دین صفت مشرکان است و پرهیز از تفرقه در ادیان مختلف الهی مورد تأکید قرار گرفته است دین اسلام با تفرقه اندازه‌اندازان هیچ سازگاری ندارد و بر اساس آیات قرآن کریم منافقین به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه در این دین مبین هستند به همین علت وحدت و پیام تقریب به عنوان یک راهبرد در اسلام مطرح است. تشکیل تمدن نوین اسلامی از اهداف اصلی کشور است. در جوامع دینی پیش از اسلام نیز آنچه که آنها را از برکات انبیاء محروم کرد و از سعادت‌ی که باید از آن تحت پرچم انبیاء بهره‌مند می‌شدند، اختلاف بود. احیاء اسلام و جنبش بازگشت به اسلام که ما از آن به بیداری اسلامی تعبیر می‌کنیم، تراوشات آن از دو قرن پیش ملاحظه می‌شود. آنچه تمدن نوین اسلامی را می‌تواند سامان بخشد و این ساختار را بر جامعه بشری حاکم کند شرط اصلی آن وحدت است.

اندیشه وحدتی که بزرگان ما پرچم آن را برافراشتند یک نظریه ساده نیست بلکه نظریه جدید تمدن‌سازی اسلامی در عصر کنونی است. از این رو مسئله وحدت جامعه اسلامی، اساس و بنیاد جامعه متمدن و نوین است، وحدت ساختار تمدن نوین اسلامی را تبیین می‌کند. همه ما معتقد به ظهور حضرت ولی عصر (عج) هستیم که شرط اصلی آن شکل‌گیری امت واحده اسلامی است و ما به آن به عنوان یک هدف دوردست نگاه نمی‌کنیم بلکه باید تلاش کنیم و ضرورت تاریخ ما و جوامع اسلامی را به این نقطه خواهد رساند و

هم‌اکنون نیز علائم چنین اجماع و اتفاقی مشاهده می‌شود. در نتیجه در این مقاله به این اهم می پردازیم که وحدت جامعه اسلامی و یکی شدن جامعه اسلامی مهمترین عنصر جامعه امروزی است.

مقدمه

با توجه به اینکه جامعه اسلامی هر روز رو به پیشرفت است و این طبیعی است که با هر پیشرفتی در هر جامعه ای دشمنان آن ها نیز بیکار نمی نشینند و با ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت در بین مسلمین تمدن اسلامی را که از نظر خود غربی ها در سه تمدن اولیه موجود در جهان است را از بین می برند . از این رو تمامی کسانی که در تمدن اسلامی صاحب نظر هستند نسبت به این امر مهم بیانات و دیدگا هایی دارند و با درس گرفتن از این دیدگاه ها و استفاده از آیات و روایات مختلف در مورد تمدن اسلامی و نقش وحدت مسلمین در تمدن سازی باید نقشه های کثیف غرب و جامعه غربی و دشمنان این تمدن و این مرز و بوم را نقش بر آب کرد و از بین برد . لذا باید تمامی جوانب این مهم و نکات آن را از منابع مختلف استخراج کرد و مکر حيله گران را به خودشان برگرداند . در شرایط کنونی که دشمنانی همانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مقابل نظام اسلامی و آموزه‌های دینی در حال تلاش هستند باید نسبت به فعالیت‌های تفرقه‌انداز آنها هوشیار باشیم.

بر اساس فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی باید در شرایط کنونی مشکلات اسلام را شناسایی و برای رفع آنها تلاش‌های لازم را دنبال کنیم. بر اساس دستورات خداوند متعال در قرآن کریم حوزه‌های مختلف معرفت‌های نظری باید اسلامی شود تا وحدت بر اساس اندیشه‌های اسلامی شکل گیرد. در شرایط کنونی با دشمنان مختلف و مشکلات داخلی مواجه هستیم اما اگر به تمدن نوین اسلامی برسیم پرچم اسلام جهان را فتح کرده و بسیاری از مشکلات رفع می‌شود. وظیفه هر مسلمان شیعه و سنی است که در برابر دشمن وحدت خود را حفظ کند و عوامل تفرقه را از بین ببرد و از اختلاف با دیگر مسلمانان در دیگر کشورها و با هر فرقه ای و مذهبی پرهیز کند . هدف دشمن از بین بردن یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان از طریق خود مسلمانان است که باید مواظب این مکرها بود و با تمدن سازی نوین اسلامی دست رد بر سینه آنها زد . بلاشک وحدت در برابر دشمن در بین فرق اسلامی از جمله شیعه و سنی باعث تمدن سازی شده و مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام ، تشیع و تسنن است . در هر صورت ، تحرکات علمی و عملی برای این ضرورت فراموش شده ، نسبت به حجم توطئه های رو در رو ، ناچیز است لذا نیازی فوری است که مراکز علمی کشور مانند دانشگاهها و حوزه های علمیه، به صورت تخصصی روی این موضوع تحقیق کرده و نتایج کارشان را در

اختیار نهادهای دولتی و غیر دولتی و نخبگان جامعه قرار دهند تا اولاً بتوان در کشور فرهنگ همزیستی و ارتباط مسالمت آمیز میان مذاهب اسلامی به خصوص شیعه و اهل سنت را ایجاد کرد ثانیاً زمینه ای برای ارتباط هر چه بیشتر با نخبگان سایر کشورهای اسلامی، فراهم کرد. مقاله ی حاضر بیش از اینکه به چگونگی ایجاد چنین فرهنگی در جامعه بپردازد، به ضرورت و چرایی وحدت از زبان بزرگان و اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه از جمله مقام معظم رهبری (دامت برکاته) اشاره می کند.

تاکید مقام معظم رهبری بر وحدت اسلامی

در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می کنیم، مقصود ما این نیست که فرقه مسلمین اعم از شیعه و سنی یا فرقه ای که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده ی خود دست بردارند و به عقیده ی سومی یا به عقیده ی طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه ی هر کسی وابسته است و بینة و بینة اللّٰه تکلیف اوست. بحث ما این نیست. بحث ما این است که می خواهیم به همه ی مسلمانان از شیعه و سنی بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. در بعضی چیزها، با هم شریکید و یک طور فکر و عمل می کنید و در بعضی چیزها، هر فرقه روش خود را دارد. نکته این است که اولاً، آن نقاط اشتراک بیشتر از نقاط افتراق است. یعنی همه ی مسلمین، به خدای واحد و قبله ی واحد و پیامبر واحد و احکام و نماز و روزه و زکات و حج اعتقاد دارند. قدیمترین تمدنها و عمیقترین فرهنگها، در همین منطقه یی بوده که مسلمانان در آن زندگی می کنند. آن وقتی که دیگر مردم در وحشیگری بودند، همین مردم مسلمان بودند که دنیا را با علم و معرفتشان اداره می کردند. مسلمانان، جمعیتی متشکل و منسجم هستند، کشورهایشان نزدیک به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقارند و در تمام نقاط دنیا کسانی را از خود دارند که همه ی آنها مسلمانند. مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند.

محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (صلی اللّٰه علیه واله وسلّم) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد. امروز، پولهای نفت برای نوشتن کتاب ضد شیعه مصرف می شود. دلارهای امریکایی برای رد تشیع به کار می رود و به زبان عربی و اردو کتاب نوشته و ترجمه می شود. اینها، دستهای شیطانند. اینها، انسا نهایی سالمی

نیستند که این چیزها را می نویسند. هر جا باشند، همین طورند. یکی از پیامهای عمده ی انقلاب ما، وحدت مسلمین است. ما در همه جای دنیای اسلام، این حرف را می زنیم و به کسانی که در کشورهای مختلف، همه ی همتشان را برای مقابله با انقلاب اسلامی و وارد آوردن تهمت و بستن دروغ به آن یا به رهبر فقید عظیم الشان انقلاب یا نقد آرای ملت مسلمانی که در این جا با همه ی وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه می کنند، گذاشتند؛ نصیحت می کنیم. ما به همه می گوئیم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه ی عقیده یی بخواهد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. بایستی همه با هم کمک کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوء استفاده بکند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه ی خوبی دارد و نه با سنی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن کینه می ورزد. همان اسلامی که سنی یا شیعه دارد، میغوض امریکا و مرتجعان است. اختلافات داخلی را برای آن زمانی بگذاریم که از طرف هیچ دشمن جهانی تهدید نشویم. اگر چنین روزی پیش آمد، آن وقت مقابل هم بنشینند و سنگهایشان را با هم حک کنند. امروز، وقت این حرفها نیست امروز، این کشورهای مرتجع منطقه، بدطوری به شعارهای تفرقه افکن و اختلاف انگیز چسبیده اند. اگر ملت ما در مراسم حج، علیه امریکا و اسرائیل شعار بدهد، آنها اعتراض می کنند و می گویند چرا شما در بین مسلمین حرف جدیدی آورده اید؟! این را تفرقه تلقی می کنند؛ در حالی که ایجاد تفرقه نیست، بلکه انجام وظیفه است. مسلمانان دیگر هم باید شعار دادن علیه امریکا و اسرائیل را از ملت ایران یاد بگیرند. پولها، قلمها، امکانات، بلندگوها و عناصر مزدور پست کشورهای مرتجع، مرتب علیه انقلاب و ایران اسلامی و ملت فداکار عمل می کنند. این، تفرقه و ایجاد شکاف و اختلاف است. لعنت خدا بر آن دستهایی که به این ترتیب بین مسلمین ایجاد شکاف و اختلاف می کنند. وحدت را مهم بشمارید و هفته ی وحدت را یک هفته ی حقیقتاً پر محتوا و پر مغز قرار بدهید. در امور دیگر هم، ما این مسأله ی وحدت را مورد تأکید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی، مورد تأکید قرار می دهیم. وقتی می گوئیم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی، برای هدفهای اسلامی اتحاد باشد، پس به طریق اولی، قشرهای مختلف مردم فداکار و مبارز ایران، اهل هر شهر و استانی، متکلمان با هر زبان و لهجه یی هستند، موظفند وحدت را حفظ کنند. نیروهای مسلح، اگر چه برای استحکام خود، به اسلحه و تجهیزات و آموزش و نیروی انسانی و امثال اینها احتیاج دارند، اما آن چیزی که ارتش اسلامی را از همه ی ارتشهای دیگر متمایز می کند، عبارت است از ایمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهی و احساس این که جنگشان جهاد فی سبیل اللّٰه است. این، آن عامل اصلی است که اگر آن را جدا کنیم، لشکر اسلامی هم مثل بقیه ی ملتها و لشکرهای کشورهای دیگر، چیزی در عداد آنها خواهد شد. یعنی اگر اسلحه و تجهیزات و نفرات و نیرو و استعداد بالا داشت، ممکن است بتواند مقاومت کند؛ و الا اگر تعداد طرف مقابل، یک خرده بیشتر و یا تجهیزاتشان پیشرفته تر بود، مجالی برای تحرک اینها نخواهد داد. عامل ایمان در اختیار ماست؛ باید آن را به نیروی رزمنده تزریق کرد. هر جا که

ما پیش رفتیم، با این نیرو پیش رفتیم و هر جا که شکست خوردیم، این نیرو در ما ضعیف شده بود. اگر بروید عملیات را تحلیل کنید، به همین نقطه خواهید رسید. آن جایی که دلها به شعله‌ی ایمان مشتعل بوده است، ما از همه‌ی سدها و مانعها گذشتیم و جلو رفتیم و آن جایی که گرایش به مادّیات و ظواهر و بی‌رغبتی به صواب الهی و بی‌توجهی به تکلیف شرعی، نیت‌های ما را مختصری مشوب و مخدوش کرده است، همان جا ضربه خوردیم و شکست را پذیرفتیم. یکی از دستورات قرآن این است که آحاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا و لا تفرّ قوا». این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه‌ی مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل می‌کنیم؟

نقطه‌ی مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است؛ اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده‌ی دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولتهای اسلامی و حکومت‌های اسلامی فریب می‌خورند؛ آنها هم داخل بازی دشمن میشوند؛ فریب دشمن را می‌خورند، برای امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه‌ی فوری است. ببینید از جنگ و اختلاف چه مفاسدی به وجود می‌آید؛ ببینید در دنیای اسلام، تروریسم کور به بهانه‌ی اختلافات مذهبی، چه فجایعی به راه می‌اندازد؛ ببینید با این اختلافاتی که بین ما مسلمانان به وجود آوردند، رژیم صهیونیستی غاصب چه نفس راحتی میکشد. هر وقتی کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی بخواهند به هم نزدیک شوند، یک توطئه‌ی ای‌درست می‌کنند، یک حادثه‌ی ای‌به‌وجود می‌آورند. اینها باید چشم ما را باز کند، اینها باید ملت‌های مسلمان را بیدار کند، اینها باید چهره‌ی رؤسا و حاکمان با اخلاص را از حاکمان دست‌نشانده‌ی دشمنان ممتاز کند. اینجا صحنه‌ی امتحان است. امروز هر حنجره‌ی ای‌که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره‌ی الهی است، ناطق من اللّٰه است. هزاران خطبه و بیانات دیگری از مقام معظم رهبری موجود است که بر وحدت اسلامی تأکید بسیار دارند و این مهم را امری ضروری می‌دانند.

a) اسلامی نوین تمدن تحقق ضرورت: رهبری دیدگاه

رهبر معظم انقلاب اسلامی، شکل‌گیری "تمدن نوین اسلامی" برای بشریت را، با توجه به ظرفیت‌های عظیم جهان اسلام، ضروری دانستند. ایشان تأکید کرده‌اند اکنون نوبت جهان اسلام است که با استفاده از دانش، خردمندی و تدبیر و بصیرت، در مسیر برپایی "تمدن نوین اسلامی" حرکت کند. تمدن نوین اسلامی به معنای تجاوز به سرزمین‌ها، پایمال کردن حقوق انسان‌ها و تحمیل کردن اخلاق و فرهنگ خود به ملت‌ها، نظیر آن نیست که تمدن غربی انجام داده است. تمدن اسلامی به معنای هدیه کردن فضیلت الهی

به بشریت و ایجاد زمینه برای تشخیص مسیر صحیح توسط خود انسانها است. تمدن غرب اگرچه جلوه‌هایی زیبایی از فناوری، سرعت، سهولت و ابزار مختلف زندگی ارائه کرد اما برای بشریت، خوشبختی و عدالت به ارمغان نیاورد و در درون خود نیز دچار تضاد شده است. مادیرایی صرف، احساس پوچی، خودبرتربینی و نگاه نسبی‌گرا به همه امور حتی معنوی، اوج انحطاط در تمدن غربی است. تمدن غرب علیرغم ظاهر فریبنده، از لحاظ اخلاقی فاسد و از نظر معنوی پوک شده است. علاوه بر این، تمدن غرب با راه‌اندازی جنگ به بهانه توسعه و آبادانی کشور هدف، چیزی جز خرابی و ناامنی به بار نیاورده است. آمریکا با لشگرکشی هزاران کیلومتری فقط به دنبال منافع خود بوده است. وضعیت کنونی عراق و افغانستان، مصداق تضاد عینی در تمدن غرب است. آمریکا با لشگرکشی به این دو کشور نیز، فقط درصدد تحقق منافع یکجانبه است. میانی اخلاقی و دینی اسلام اما ذاتاً با تمدن غرب در تضاد است. دین مبین اسلام رحمانی، برابری، پیشرفت، توسعه علمی، اقتصادی و سیاسی را برای همگان می‌خواهد و حس برتری جویی و سلطه‌گری ندارد. کشورها و امت اسلامی، علاوه بر ویژگی‌های مشترک عقیدتی از جمله خداوند یکتا، کتاب آسمانی قرآن کریم و دشمن مشترک، از منابع گسترده و قدرتمندی برخوردارند که با وحدت و تلاش مجاهدانه، می‌توانند قدرت و هویت خود را احیا کنند. سرزمین‌های حاصل‌خیز، موقعیت جغرافیایی راهبردی، منابع طبیعی غنی و تاثیرگذار در بازارهای جهانی و از همه مهم‌تر، نیروی انسانی کارآمد در کنار جمعیت بیش از یک میلیارد و پانصد میلیونی، از جهان اسلام، قدرتی بالقوه ساخته است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، این ظرفیتهای گسترده، اگر با تعالیم واقعی اسلام درهم آمیزد، امت اسلامی می‌تواند آفرینش‌های بدیعی را در عرصه‌های علم، سیاست، فناوری و اجتماعی، در قالب "تمدن نوین اسلامی"، به ظهور برساند.

ضرورت وحدت

حرکت در جهت وحدت و اتحاد میان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون اسلام که مسیری سخت‌طریف و حساس است، هم نیازمند انگیزه است و هم زمینه. تا زمانی که احساسات و عواطف، به اقدامات عملی منجر نشود، وحدت و اتحادی حاصل نخواهد شد. وحدتی که از آن صحبت می‌کنیم، وحدتی تاکتیکی و موضعی نیست بلکه چیزی است که جهان رابطه و ارتباطات، ضرورت آن را برای همه به اثبات رسانده و به نوعی می‌توان گفت گریزی هم از آن نیست. اسلام به عنوان دین وحدت بخش و دین رحمت و عطاقت، پرچم دار تکیه به جمعیت و بهره‌مندی از قدرت اجتماع و همدلی و همکاری است که متأسفانه اصول اساسی آن، در برخی موارد، با غفلت خودی، مورد سوء استفاده‌ی دشمن واقع شده‌اند. آیات و سخنان خداوند در قرآن کریم، برجسته‌ترین کلمات الهی در باب وحدت است که ما را به اتحاد در ظل قرآن، اهداف قرآنی و عدم تفرقه‌فرا می‌خواند. یکی از مهمترین امور در شکل‌گیری وحدت، دست‌یابی به نقطه‌ی اشتراکی است که همه‌ی مذاهب بر

آن اتفاق داشته باشند. نقطه ی مشترک میان تمام مذاهب اسلامی قرآن است. شیخ شلتوت در این باره می فرماید: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل الله قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده، و رساترین آن در سوره ی آل عمران است «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است. این شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می شود. حدیثی صحیح می گوید: (لا عَصَبِيَّةَ فِي الْإِسْلَام) در دین اسلام، تعصب وجود ندارد.»

علامه امینی هم در کتاب شریف "الغدیر" می نویسد: «وقت آن رسیده است که دنیای اسلامی به عقل و درایت بازگردد و با ارائه ی شاهراه فکر اسلامی، جهان امروز را از این خلاء فکری و ماده گرای، به زلال معارف بلند اسلام فراخواند و به جای اختلافات داخلی، جبهه واحدی از همبستگی فکر اسلامی در مقابل گرایشهای غیر اسلامی تشکیل دهد. برای اولین گام در راه تحقق این هدف باید از همبستگی های موجود استفاده کرد و در شعاع آن به پیشروی ادامه داد تا در موارد اختلاف نظر، به توافق رسید. مسلم است هیچ کدام از منابع فکر اسلامی، برای مسلمان اصیل تر از کتاب قرآن و سنت (گفتار، کردار و تصویب پیامبر) نیست. و هیچ چیز بهتر از این دو هم نمی تواند مسلمین را فکراً و عملاً با هم متحد و برادر سازد. در پیمودن این راه در درجه ی اول تسلیم به کتاب الهی و سنت مسلم پیامبرش سرمایه ای مؤثر و کافی است و آنگاه هر تکیه گاه دیگر و یا هر مبنای دیگری را با دید حزم و احتیاط و حتی با تهدید و انکار باید نگرست. و تا هنگامی که از نظر کتاب و سنت، قطعیت آن مسلم نشود، تسلیم آن نباید شد، زیرا یکی از مهم ترین علل پدید آمدن شکاف بین مسلمین و تیرگی در روابط آنان، تمسک برخی از فرق و جمود پاره ای از طوایف به اصول و زیربناهایی است که از نظر کتاب و سنت، هیچ گونه ارزش منطقی ندارد.»

در خصوص تقریب، قبل از هر چیز باید نگاه سیاسی خود را از این موضوع پاک کرده و به اصول و مبناهای قرآنی برای وحدت و امت اسلامی توجه کرد و این نکته را مد نظر داشت که خداوند برای همه مسلمانان، تلاش در راه وحدت امت اسلام را به عنوان یک تکلیف، در نظر داشته است. به عبارت دیگر از دیدگاه قرآن، اصل وحدت و دوری از تشقت و چند دستگی نه به عنوان یک هدف مقطعی و نه به عنوان یک ضرورتی که شرایط حاکم بر جامعه، آن را لازم کرده باشد بلکه یک اصل مسلم اعتقادی و اسلامی است.

بنابراین تاکید قرآن بر این اصل، جای هیچ تردیدی را باقی نخواهد گذاشت که همه ی مسلمانان باید تحت لوای امت واحد، به جانب صحیحی حرکت کنند و از هرگونه عملی که این حرکت را کُند و به سوی تفرقه و اشتقاق سوق می دهد بپرهیزند.

به گونه ای که معتقد است عامل اصلی پیروزی، غلبه بر فیزیک رقیب نیست بلکه غلبه بر استراتژی و ایدئولوژی طرف مقابل است) و از سوی دیگر همه مسلمانان دارای یک قبله و یک کتاب هستند، همه به نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایمان و اعتقاد دارند، به یک شکل روزه می گیرند، مانند هم حج می کنند، مانند هم ازدواج می کنند و مهمتر این که اهداف مشترکی دارند و گذشته از احساس تعلق به ملت خود، به دنبال پیاده شدن اهداف اسلامی هستند، نیاز بیشتری به وحدت و انسجام دارند. و اتفاقاً همین اسلام گرایی است که آنها را از سایر کشورهایی که مبتنی بر ناسیونالیسم ایجاد شده و انسجام یافته اند، متفاوت می کند. در اندیشه ی امام خمینی (رحمة الله علیه) هر نوع هویت از قبیل هویت های فرقه ای، قومی، ملی و... که نافی هویت مکتب-امتی باشد، مطرود است: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد. ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه بیاوریم» پس تمام اینها ایجاب می کند به مخالفت و جدال کردن با اجتماع و پراکنده کردن وحدت کلمه و حال آنکه قرار داده شده در جلوی چشم همه، تعلیمات و آموزش های پیامبر پاک، و بزرگداشت او شخصیت های شهرها و اماکن را به سبب فضائل از عناصر مختلفه مانند قول آن حضرت: «سَلْمَانٌ مِّنْ ذَلَّهِ أَهْلُ الْبَيْتِ»... پس بر مسلمان است که این آراء نادره و کمیاب را خط مشق و روش خود گیرد و غفلت و صرف نظر نکند از گفته ی پیامبر امین که «از ما نیست کسی که دعوت به عصیت کند و از ما نیست کسی که برای عصیت و قومیت مقاتله و جنگ نماید» و «نیست از ما کسی که بر عصیت و تعصب قومیت بمرسد» بنابراین با وجود ضرورت های قرآنی، سیره و روایات معصومین و همچنین دلایل عقلی، هیچ گونه شکي در حفظ وحدت نمی توان وارد کرد ولي سوال اینجاست که مرزهای وحدت چه هستند و حوزه و قلمروی آن تا کجاست؟ آیا منظور اتفاق نظر در تمامی مسائل علمی و اعتقادی است؟

باید اشاره کرد که به هیچ وجه نباید چنین تصور شود که برای حصول به وحدت، همه باید به یک رنگ در آیند و لازم باشد بسیاری از عقاید کنار گذاشته شوند چرا که چنین چیزی در شرایط حاضر، هرگز قابلیت عمل پیدا نمی کند، بلکه غرض از وحدت، مدارا با عقاید گوناگون است که در این زمینه، روایاتی از معصومین (علیهم السلام) وجود دارد. امام صادق (علیه السلام) در جواب مردی که گفت: ما از گروهی بیزاری می جویم زیرا آنها به آنچه ما عقیده داریم، عقیده ندارند، فرمودند: ما هم عقایدی داریم که شما ندارید، پس سزاوار است که ما هم از شما بیزاری بجویم؟... نزد خدا هم حقایقی هست که نزد ما نیست، گمان داری خدا ما را دور می اندازد؟... آنها را دوست بدارید و از آنها بیزاری مجوید. پس منظور از وحدت، احترام به عقاید یکدیگر و به رسمیت شناختن آنها است و هیچ منافاتی هم با برگزاری مناظرات و بیان آنها ندارد (چه بسا مناظرات و بحث هایی که نتیجه ی خاصی هم نداشته و دو طرف نتوانند همدیگر را قانع کنند). لذا از چیزی که باید پرهیز کرد، لعن و تکفیر است که به خودی

خود مذموم بوده و منجر به تحریک احساسات و عکس العمل طرف مقابل می شود. جمله ی معروفی از آیت الله بروجردی که می فرمایند: «فقه شیعه، در حاشیه ی فقه اهل سنت است» نمایانگر این است که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوای اهل سنت در زمان امامان معصوم (علیهم السلام)، بهتر، راحت تر و دقیق تر می توان فرمایشات ائمه ی معصومین (علیهم السلام) را دریافت و همچنین اشاره به این موضوع دارد که فتاوای صحیح شیعه، مطرود کلی اهل سنت نیست. لذا ضرورت حفظ وحدت مسلمین در عین احترام به اختلاف نظرات، مانند این است که دو برادر در یک خانه زندگی می کنند و در برخی اعتقادات، اختلافاتی با هم دارند. ولی این باعث نمی شود که اگر دزدی به خانه ی آنها زد، به خاطر اختلاف نظری که با هم دارند، با یکدیگر همکاری نکنند و هم دست نشوند تا داری هایشان را از دست بدهند. آیت الله بروجردی معتقدند: «نهی از تفرقه، تفرقه ی مذهبی را نیز در بر می گیرد؛ زیرا به رغم آنکه مذاهب فقهی اسلامی بسیار بوده و شیوه های آن مختلف است، از اصول واحدی که کتاب الله و سنت پیامبر است، برگرفته شده است. ولی به رغم تعدد مذاهب و اختلاف در بسیاری از احکام و وجود آرای متعدد، همگان در نقطه ی مشترک و سخنی واحد، گرد می آیند؛ این همان ایمان به مصادر اصلی و تقدیس کتاب الله و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) است.» مراد ما از وحدت یک امر ساده و روشن است و آن عبارت است از همکاری فرق مسلمین با همدیگر و عدم معارضه و مضاده آنها با هم. مقصود ما از اتحاد بین مسلمین این است که یکدیگر را نفی نکنند، دشمن را بر یکدیگر مسلط نکنند و بعضی بر بعضی، به ستم غلبه نکنند بدون شک هر نظام و واحد سیاسی یا عقیدتی در دنیا، برای عمل در پهنه ی جهان، باید الگوهای را مدنظر قرار داده و مبتنی بر تضادها و تنش هایی که در مسیرش قرار می گیرد، نوع مواجهه و البته مقابله با آنها را ترسیم کند و قبل از این کار، شناخت دقیق و همراه با بصیرت دوست و دشمن از یک طرف و نوع مواجهه و منازعه دشمن و سلاح های به کار گرفته ی آن از طرف دیگر، باید مدنظر قرار گیرد. از جمله ابزارها و سلاح های دشمن، باقی نگه داشتن اختلافات و جلوگیری از حل دائمی آنهاست. مسئله شیعه و سنی موضوعی است که علاوه بر اینکه دست آویزی برای غرب جهت مقابله با انقلاب اسلامی مطرح شد، عاملی است برای اینکه بتواند مانع قدرت یافتن مسلمانان و احیاناً ایجاد خطر برای خودش شود.

امام خمینی (رحمة الله علیه) می فرمایند: «... غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند»

شیوه ی پیشنهادی آیت الله بروجردی پیرامون وحدت بین مذاهب این بود که میان شیعه و سنی در دو نکته ی اساسی، اختلاف نهفته است. یکی جانشینی پیامبر و امامت و رهبری مسلمانان است و دیگر اینکه بعد از

رحلت پیامبر (صلي الله عليه و آله)، مسلمانان در عمل به احکام به چه کسی رجوع نمایند و تکلیف روزمره ی خود را از کدام مرجع بگیرند؟ اولاً، بحث درباره ی موضوع اول، یک بحث تاریخی است. هر چه بوده گذشته است و لزومی ندارد دوباره مطرح شود. تجربه هم نشان داده که طرح اینگونه مسائل همیشه سبب اختلاف شدید و منشا سوء استفاده های دشمنان بوده است. ثانیاً اگر هم نتیجه ای علمی و عقیدتی دارد، این ثمره برای هر کدام از شیعه و سنی، فی نفسه محترم است و ربطی به طرف مقابل ندارد.

بنابراین، اتحاد، همکاری و حمایت شیعیان و اهل سنت از یکدیگر، امریست بسیار حساس که نیازمند شرایط و زمینه هایی است. یعنی برای اینکه اتحاد، همکاری و همراهی، حالت عادی به خود گرفته و افتراق و بدبینی، جای خود را به مصالحه و همدلی بدهد، باید از برخی اقدامات پرهیز و بعضی کارها را انجام داد.

مفهوم تمدن سازی نوین اسلامی

مفهوم تمدن سازی نوین اسلامی عبارت است از: پیشرفت همه جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری جهت شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی.

هدف نهایی نظام اسلامی، ایجاد امت واحد اسلامی و تمدن اسلامی جدید... است. (بیانات مورخ ۲۶/۶/۱۳۹۰) شکل گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک تمامی مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد.

تربیت عقلانی، اخلاقی و قانونی را هدف بعثت نبی مکرم اسلام است که زندگی آسوده و رو به کمال انسان تمدن نوین اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی به آن ها نیازمند است. (بیانات مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۸) جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به تمام ابعاد اسلام که سیاست هم یک بعد مهم آن است، ایمان نیاوردند، وارد اسلام واقعی نشدند. تمدن نوین اسلامی دارای دو بخش است: الف) بخش ابزاری یا سخت افزاری که شامل نمودهای پیشرفت می شود؛ از قبیل: علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و نظایر آن.

ب) بخش نرم افزاری حقیقی و اساسی تمدن اسلامی که شامل حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در تمام مظاهر زندگی و حیات مسلمانان است. تحقق هر دو بخش در تمدن نوین اسلامی ضروری است . (بیانات مقام رهبری در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ 23/7/1391)

رهبر انقلاب اسلامی تأکید بر اینکه بدون پیشرفت بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد؛ افزودند؛ متأسفانه ما در این بخش، پیشرفت چشمگیری نداشته و مثل بخش اول یعنی علم و صنعت و نظائر آن پیشرفت نکرده ایم. رهبر انقلاب اسلامی، آسیب شناسی و علت یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاههای مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب شناسی، به جستجو راههای علاج پردازیم. گفتمانی در زمینه آسیب شناسی و چاره جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی بوجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشندگی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم جهانیان را متوجه خود خواهد کرد.

عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا آن است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست. یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نیستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت های مادی و معنوی و دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است . (بیانات ، 29/4/1388)

علم محوری ، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است:

فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم سلطه آور است و جامعه ، صاحب علم را قدرتمند می سازد. باید علم را فراگرفت و بلکه بایسته است تولید کننده و صادر کننده آن شد و به مصرف آن نباید بسنده و دل خوش کرد. روش شناسی تولید علم از نظر ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است؛ در این صورت است که تولید علم می تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. در این میان، دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فرو گذار نمی کند و لذا باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان در باب علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. تأکید ایشان بر این است که تحجر و جزم گرایی در باب یافته های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاد اندیشی راه برون رفت از این آفت است. (بیانات: ۰۹ / ۱۲ / ۱۳۷۹)

اخلاق: اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. (بیانات ایشان در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۲۳/۷/۱۳۹۱) اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه ی بشری اگر وجود داشت، انسانها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند (بیانات: ۲۹/۰۴/۱۳۸۸)

تلاش و ایمان به هدف: ایشان، تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف دانستند و افزودند: بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی‌شود.

البته برخی کشورها، بدون ایمان به مکتبی خاص، مقلد تمدن غربیند. این‌ها ممکن است به پیشرفتهای صوری نیز برسند، اما زیانهای بی‌انتهای ذلت تقلید، آنها را دچار آسیبهای جدی می‌کند و ریشه آنها را از بین می‌برد؛ بنابراین اگر طوفانی بپا شود توانایی استقامت ندارند.

معظم له بر این نکته تأکید دارند که: انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می‌تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهان‌نیان برپا سازد.

آسیب‌های تمدن نوین اسلامی

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن نوین هستند می‌توان آسیب‌های زیر را برشمرد:

عدم پیروی از رهبری واحد

هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدا واحدی هدایت و راهبری گردد.

در اینجا نباید این موضوع با تک‌محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادات مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز

واحدی تجمیع و مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی - و به طور خاص شیعی- محوریت این تصمیم گیری ولایت فقیه است. (مهندسی تمدن اسلامی، عبدالعلی رضایی، ص 62)

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم گیری است. در تاریخ موارد متعددی از تمدن ها و حرکت های تمدنی فکری و فرهنگی به چشم می خورد که در اثر تشتت آرا و عدم تصمیم گیری واحد، نتوانسته اند دوام چندانی داشته باشند.

آنچه مسلم است این است که وظیفه گروه های مرجع در این حوزه بسیار خطیر است و بر آنان است که با توجه کامل بر این مساله زمینه ساز ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی گردند.

کم تحمل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب

حرکت های فرهنگی و تمدنی، به واسطه ماهیتی که دارند فرایندی زمان بر داشته و نیازمند صبر، استقامت، پشتکار و توانمندی های بالقوه و بالفعل فراوانی هستند. از جمله آسیب های جدی که این حرکت را به شدت با مخاطره روبرو می کند کم تحمل بودن در رسیدن به هدف آرمانی و نتیجه مطلوب است.

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش ها

رویه حرکت های بیدارگرانه و ضد استعماری و با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این گونه فعالیت ها دارند تشخیص و دقت نظر در بطن حرکت ها و توجه به ماهیت آنها بسیار ضروری است. سیاست زدگی و افسون قدرت باعث سو استفاده از اینگونه جریان های مردمی و خیزش ها به سوی تشکیل تمدنی نوین می گردد. (همان، ص 163) در بعضی از موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر یافته و مبتنی بر منافع مادی و سیاسی که می تواند ملی گرایانه محض و غیر دینی باشد، نمود پیدا می کند و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می شود.

بر سر راه تمدن نوین اسلامی، در کنار آسیب‌ها و چالش‌هایی که وجود دارد موانعی نیز باعث‌کننده حرکت و جلوگیری از انجام برنامه‌ها و تمدن‌سازی می‌گردد. نمونه‌هایی از این موانع را می‌توان این‌گونه نام برد:

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان

وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مولفه با مشکل روبرو شود تاثیر فراوانی بر سایر جنبه‌های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. احادیث فراوانی درباره فقر در کتب حدیثی موجود است و توجه به باب‌های مربوط به امر تجارت و مسائل مالی در احکام فقهی نشانگر اهتمام خاص اسلام بر این مساله بوده است. فرهنگ‌سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت‌های اقتصادی که توان اجرای آنها را داشته باشد امکان‌پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم‌ریختگی در این حوزه کمک‌زیادی بر پیشبرد اهداف فرهنگی خواهد نمود. (مهندسی تمدن اسلامی، عبدالعلی رضایی، ص 93)

البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و بالابردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری نمایند.

عدم توجه به عقلانیت دینی

یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی دگم‌اندیشی دینی و مذهبی و عدم توجه به عقلانیت دینی است. اشاعره و اخباریان نمود اولیه و اصلی این نوع تفکر بوده‌اند. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح فقه پویا نامیده شده است یکی از جنبه‌های مهم اسلام است که در میان برخی از جوامع

مورد غفلت واقع شده و یا در برخی موارد دیگر با افراط مواجه گردیده و آسیب های جدی وارد نموده است.

عمده مشکلات و فاصله هایی که میان احکام و دستورات دینی و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز نموده است ریشه در نبود عقلانیت دینی داشته و عدم تفکر و تعقل رهبران دینی در احکام و بازنگری همراه با تفسیر و توضیح درست آن می باشد. از سوی دیگر عقلانیت صرف بدون داشتن سبفه و رنگ دینی و عدم مراجعه به ضروریات دین، باعث کج روی های زیادی شده است. هر دو لبه این بحث که همانا تکیه بر عقل بدون توجه به تعالیم دینی و بر خلاف آن دگر اندیشی و عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی در فرایند احکام فقهی مانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی خواهند شد.

(درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی، فاطمه براتلو و محمد صنایع، ص 211)

انحراف و کج فهمی در گروه های مرجع

گروه های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می باشند. هرچه این گروه ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راهها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدید های فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالتها و ارزشهای دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی می باشد، علی الخصوص برای نسل های جوان و نیز نخبگان و تحصیل کردگان جامعه که به عنوان گروه های مرجع شناخته شده اند. انحراف و غرب زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان های تمدن نوین اسلامی خواهد شد. (جامعه شناسی غرب گرایی، علی محمد نقوی، ص 135)

عوامل ایجاد تفرقه بین مسلمانان

در مقابل وحدت، تفرقه نیز وجود دارد و این طبیعی است که همیشه در مقابل یک عامل موجود، عامل

مخالفي هم باشد . اما بايد براي مبارزه با آن چاره اي انديشيد . به طور كلي دو عامل عمده در مقابل وحدت وجود دارد ، يك عامل عامل دروني ماست : تعصب هاي ما ، پايبندي هاي ما به عقايد خودمان ، هر گروهی برای خودش باید بر این فاتق آمد . ايمان و پافشاري بر عقائد بسيار خوب است اما اين نبايد به دشمني تبديل بشود . برادراني که در مجموعه امت اسلامي هستند احترام يکديگر را حفظ کنند و همچنين عقايدشان اما احترام به ديگران و حدود ديگران و حقوق ديگران و حرمت و افکار و عقايد آنها را نگه دارند و بحث و مجادله را براي مجالس علمي بگذارند . علما و اهل فن مي خواهند بنشينند مباحث مذهبي کنند بکنند اما مباحث مذهبي عالمانه و محفل علمي با بدگويي به يکديگر در علن در سطح افکار عمومي در مخاطبه - با افکاري که قدرت تجزيه و تحليل علمي ندارند فرق مي کند اين را با يستي علما مهار کنند ، مسئولان بايد مهار کنند . همه گروه هاي مسلمان در اين مورد وظيفه دارند . شيعه و سني هم وظيفه دارد و بايد به سمت اتحاد بروند و اين عامل يک عامل دروني است . عامل دومي که در برابر وحدت است عامل بيروني تفرقه است . به قول حضرت آيت الله خامنه اي پول بسيار زيادي خرج مي کنند براي اسلام ستيزي . نمونه آن ايجاد تفرقه به وسيله ي شبکه هاي ماهواره و ساختن شبکه ها و فيلم هاي ضد خانوادگي است ، که اين فيلم ها ابتدا در خانواده باعث تفرقه مي شود يعني زن و شوهر را نسبت به يکديگر بدبين مي کنند و باعث طلاق و آشوب مي شود و مطمئنا کسي که نتواند در خانواده از تفرقه جلوگیری کند نمیتواند در اجتماع و در بين مسلمين نیز دوام بياورد و ضعف او بهانه اي بهتر از قبل براي تفرقه انگيزان است . اگر هم طلاق نگیرند بدتر از آن را ميگیرند يعني طلاق عاطفي ، يعني زندگي کشنده ، زندگي که در آن زن و شوهر مدام با هم قهرند و سايه همدیگر را با تير ميزند . آرام آرام نابود سازي کنند و طوري که ديگر نتوان به قبل برگشت . بايد مواظب اين مسائل بود . اين يک نمونه به عنوان مثال بود که خرج مي کنند براي نابود سازي مسلمين . موارد بسيار زيادي است که مي توان نام برد اما هدف اين مقاله چيز ديگر است . مورد بعدي از عوامل بيروني تفرقه را ميتوان جداسازي عرب از عجم نام برد . عربي ها با نقشه ريزي هاي کثيف باعث جدا شدن مسلمين غير عربي از عربي مي شوند و به عنوان مثال در جنگ ۲۲ روزه غزه که شکست خوردند و نتوانستند بحث شيعه و سني را مطرح کنند ، آمدند و مسئله قوميت را مطرح کردند . مسئله عربيت و غير عربيت . اختلاف بين اينکه مسئله فلسطين مختص عرب هاست و غير عرب ها حق ندارند در اين جريان دخالت کنند . اصلا اينگونه نيست . مسئله فلسطين مسئله اسلامي است و عرب و عجم ندارد . در مسائل دنياي اسلام اگر پاي قوميت به ميان آمد بزرگترين عامل تفرقه به وجود آمده است . وقتي پاي قوميت را در مسائل دنياي اسلام به وجود مي آورند ، عرب را از عجم جدا مي کنند ، ترکي را جدا مي کنند ، کرد را جدا مي کنند ، اندونزيائي ها را جدا مي کند ، ماليزيايي ها را جدا مي کنند و پاكستاني و هندي و غيره پس چه مي ماند ؟ اين چوب حراج زدن به امت اسلامي است . از اين تله هاي استکبار بايد با دقت گذشت وگرنه شيريني پيروزي امت اسلام را به زهر ماري کشنده تبديل مي کنند . بهتر است دیدگاه هاي قرآن و افراد و شخصيت هاي مختلف

مورد بررسی قرار داده شود قرآن کریم تعبیر زیبایی در آخرت برای وحدت سازان و تفرقه انگیزان دارد . هنگامی که چهره بهشتیان را ترسیم می کند از آنها به عنوان إِخْوَانًا عِلَّاي سُرُرٍ مَّتَّقَاتٍ بِلَّيْنٍ (۴۶) یاد می کند در حالی که همه برادرند و بر تخت ها روبروی یکدیگر قرار دارند و هنگامی که از دوزخیان را به تصویر می کشد از آنان اینگونه یاد می کند که إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُّمُ الْهَلِ النَّارِ (۴۷) این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان . زیرا معمولا تفرقه انگیزان خصمانه گفتگو می کنند . قرآن کریم از سوئی، سفارش به وحدت و اتحاد، و انسجام و همگرایی می کند و از سوئی دیگر، تفرقه و اختلاف را مورد نکوهش قرار می دهد و می فرماید: «[فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع و کشمکش نکنید که سست می شوید و قدرت [و شوکت] شما از بین می رود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است.»

کلام مقام معظم رهبری نیز در راستای همین آیه است که می فرماید: «قوت ما هنگامی بروز می کند که ملّتی یکپارچه باشیم. اگر بین ما اختلاف و دو دستگی شد، بگو مگو رخ داد، جریانهای مختلف آمد و قدرت طلبی شد، قدرتمان را از دست خواهیم داد؛ «وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» و اختلاف، اصلاحیات و آبرو و اقتدار را از هر ملتی می گیرد. اگر شما وحدت کلمه را حفظ کنید، این قدرت می ماند»

مقام معظم رهبری در جایی دیگر می فرماید : هر حنجره ای و زبانی که ملتهای مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیتها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است. آنهایی که از زبان ابلیس حرف میزنند، خودشان و مستمعین خودشان را به طرف جهنم میبرند؛ خودشان را هم دچار هلاکت میکنند(۴۹) «ألم تر الي الذّین بدّلوا نعمت اللّٰه کفرا و احلّوا قومهم دار البوار. جهنّم يصلونها و بئس القرار» (ابراهیم: ۲۸ و ۲۹) «يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار»، (هود: ۹۸) که درباره ای فرعون است. کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور میکنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار میکنند، به نفع ابلیس ها کار میکنند. امروز می بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کارتها و تراستها، همه دارند پول خرج میکنند، نقشه ریزی میکنند برای اسلام استیزی. قرآن را آتش میزنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار میدهند، کاریکاتور درست میکنند، کتاب مینویسند، در پایتختهای بزرگ اروپا علیه مسلمانها هیجانان قومی درست میکنند - می بینید دیگر؛ اینها چیزهای روشن و واضحی است - اینها معنایش چیست؟ معنایش اسلام استیزی است. امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته اند. خب، اینجا تکلیف مسلمانها چیست؟ مسلمانها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانائی را روزه روز افزایش دهند. یکی از مهمترین عوامل

اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملت‌های مسلمان درس است. هدف دشمن از ایجاد تفرقه بین مسلمانان را آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» همگی به ریسمان الهی جنگ زبید و متفرق نشوید بیان می‌کند و از نظر حجت‌الاسلام لروند یعنی: تفرقه عامل اصلی مشکلات در بین مسلمانان است و دشمن هم از تفرقه بدترین بهره‌برداری به نفع خودش را می‌کند، لذا مسلمانان باید مراقب باشند زمام دین خود را از طریق این اختلافات و تفرقه‌ها به دست دشمن ندهند. ایشان معتقدند جهالت، بی‌بصیرتی، حب دنیا و ریاست‌طلبی از عواملی است که می‌تواند به اتحاد و وحدت آسیب وارد کند و منجر به تفرقه شود. امام خمینی تفرقه -چه تفرقه میان دولت‌ها، چه تفرقه میان ملت‌ها و دولت‌ها، چه تفرقه بین مسلمانان و چه بین فرق مختلف اسلامی و چه تفرقه میان مسلمانان و غیر مسلمانان- را یکی از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام و اساسی‌ترین آسیب‌ها در دستیابی به «تمدن اسلامی» می‌دانند که به وسیله استعمار گران‌ساماندهی می‌شود. با توجه به این نکات می‌توان پی برد تفرقه مایه نابودی و وحدت مایه نجات است.

نتیجه‌گیری:

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش‌ها و مقابله‌های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبرو گردیده که از جمله آنها می‌توان به عدم پیروی از رهبری واحد، تعجیل در رسیدن به نتیجه مطلوب، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش‌ها، فرهنگ مهاجم غربی، اختلاف افکنی در میان مسلمانان، طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان، عدم توجه به عقلانیت دینی و انحراف و کج فهمی در گروه‌های مرجع اشاره نمود.

راهکارهای مقابله با این چالش‌ها و موانع را می‌توان چنین بیان کرد:

کم تحمل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: گروه‌های مرجع در این زمینه وظیفه دارند با آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از این موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به این جریان واقعی ساخته و با تشریح وضعیت موجود و اهداف و آرمان‌های مطلوب جامعه تمدن نوین اسلامی از سرخوردگی و ناامیدی مردم جلوگیری کنند. بدیهی است در این راه می‌بایست در برابر شبهه افکنی‌ها و تلاش‌هایی که مخالفان و گروه‌های رقیب، از آمادگی کافی ذهنی و فکری برخوردار باشند. (مهندسی تمدن اسلامی، عبدالعلی

رضایی، ص 37)

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش‌ها: دقت در تطابق فعالیت‌ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت‌ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

فرهنگ مهاجم غربی؛ متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به‌روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اختلاف افکنی در میان مسلمانان؛ راهکار اصلی در فرهنگ‌سازی و روشنگری در میان جوامع مسلمان است. این وظیفه می‌بایست توسط دولتمردان از یک سو و از سوی دیگر توسط اهل فکر و فرهنگ و متفکران و اندیشمندان و رهبران دینی انجام پذیرد. (استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، سید احمد موثقی، ص 38)

طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه؛ بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان؛ فراهم ساختن زمینه‌های مناسب جهت فعالیت صحیح اقتصادی، جلوگیری از سوء استفاده‌های مالی در میان گروه‌های مرجع، مبارزه با مظاهر آشکار فقر و زدودن آن از چهره جامعه

عدم توجه به عقلانیت دینی؛ ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به سوی این مسیر روانه نمود.

انحراف و کج فهمی در گروه‌های مرجع؛ برای مقابله با این مانع می‌بایست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعیت آموزش و پرورش و حوزه تحصیلات تکمیلی و اهمیت قائل شدن به این حوزه نمود. با آموزش صحیح مبانی فکری و فرهنگی و تامین و تهیه کتب و منابع آموزشی به ویژه در حوزه علوم انسانی از انحراف در گروه‌های مرجع و از غرب زدگی آنان جلوگیری نمود و به تبع آن هدایت صحیح مخاطبان گروه‌های مرجع

که عموم مردم جامعه هستند دست یافت. (تمدن نوین اسلامی: مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین المللی پژوهشی شیخ طوسی(ره)، ص 89)

عقلانیت و مدیریت راهبردی ایجاب می کند که جهان اسلام به عنوان یک کل واحد یا مجموعه کشورهای قدرتمند نیز نقش تعیین کننده ای در ترسیم تکوین و تثبیت نظم جهانی ایفا کنند. نظم جهانی که به تکوین، توسعه و تعالی تمدن نوین اسلامی بیانجامد. با توجه به اینکه جامعه اسلامی هر روز رو به پیشرفت است و این طبیعی است که با هر پیشرفتی در هر جامعه ای دشمنان آن ها نیز بیکار نمی نشینند و با ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت در بین مسلمین تمدن اسلامی را که از نظر خود غربی ها در سه تمدن اولیه موجود در جهان است را از بین می برند. از این رو تمامی کسانی که در تمدن اسلامی صاحب نظر هستند نسبت به این امر مهم بیانات و دیدگاه ه هایی دارند و با درس گرفتن از این دیدگاه ها و استفاده از آیات و روایات مختلف در مورد تمدن اسلامی و نقش وحدت مسلمین در تمدن سازی باید نقشه های کثیف غرب و جامعه غربی و دشمنان این تمدن و این مرز و بوم را نقش بر آب کرد و از بین برد. لذا باید تمامی جوانب این مهم و نکات آن را از منابع مختلف استخراج کرد و مکر حيله گران را به خودشان برگرداند. وظیفه هر مسلمان شیعه و سنی است که در برابر دشمن وحدت خود را حفظ کند و عوامل تفرقه را از بین ببرد و از اختلاف با دیگر مسلمانان در دیگر کشور ها و با هر فرقه ای و مذهبی پرهیز کند. هدف دشمن از بین بردن یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان از طریق خود مسلمانان است که باید مواظب این مکر ها بود و با تمدن سازی نوین اسلامی دست رد بر سینه آنها زد. بلاشک وحدت در برابر دشمن در بین فرق اسلامی از جمله شیعه و سنی باعث تمدن سازی شده و مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام، تشیع و تسنن است. این نظر کلیه صاحب نظران این حوزه از جمله مقام معظم رهبری (دامت برکاته) است

در آخر فرازی از بیانات رهبرانقلاب در دیدار با مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی بیان میکنیم: «امروز ما مسلمانها احتیاج داریم به هوشیاری؛ احتیاج داریم به این که نقشه ی کلی زندگی خود و مواجهه ی دشمنان با خود و با اسلام را بشناسیم. اگر نقشه را شناختیم، راه را درست انتخاب خواهیم کرد. اشکال آنجاست که گاهی ما مسلمانها خودمان نقشه ی دشمن را درست نمی شناسیم، خود ما جزئی از آن نقشه ی دشمن میشویم؛ که امروز متأسفانه دنیای اسلام مبتلای به این است. نقشه ی دشمن، اختلاف افکنی در بین مسلمانان است؛ نقشه ی دشمن، تحریک عصبیتهای مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر است؛ نقشه ی دشمن این است که توجه امت اسلامی را از نقطه ی حقیقی خصومت و دشمنی - یعنی سرمایه داری فاسد و مفسد و صهیونیزم - منحرف کند و به جاهای دیگری متوجه کند... نقشه ی دشمن این است؛ ملتهای مسلمان را به یکدیگر مشغول کنند، بین اینها اختلاف به راه بیندازند - کما اینکه امروز می بینید به

راه انداخته اند - هزاران نفر کشته شوند، خونها بر زمین ریخته شود، ملتهای مسلمان از مسائل اصلی خود غافل بمانند، از پیشرفت ضروری ای که باید به دنبال آن باشند، غفلت کنند، برای اینکه منافع استعمارگران، منافع صاحبان قدرت ظالم و ستمگر تأمین شود؛ همچنان که یک روز با استعمار، این کار را کردند ... امروز برای مسلمانها، اتحاد و اتفاق، همدلی و همکاری، جزو فوری ترین و ضروری ترین هاست.»

فهرست منابع:

- امام خمینی، صحیفه نور
- امام خمینی، ۱۳۶۸، صحیفه انقلاب، وصیتنامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴
- بیانات آیه ا □ خامنه ای مورخ ۲۶/۶/۱۳۹۰
- بیانات آیه ا □ خامنه ای مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۸
- بیانات آیه ا □ خامنه ای در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۲۳/۷/۱۳۹۱
- بیانات آیه ا □ خامنه ای ۹/۱۲/۱۳۷۹
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم ۱۸ خرداد ۹۲
- فرهنگ و شبه فرهنگ، محمد علی اسلامی ندوشن، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۷
- با اقتباس از: مقاله «معینی پور، مسعود و لک زایی، رضا، ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (قدس سرّه) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۸، ص ۵۴-۵۵
- مقاله: معینی پور، مسعود، لک زایی، رضا، ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار ۱۳۹۱، ش ۲۸، ص ۷۵ □ ۵۱

- يوم الخلاص، ص ۴۰۴
- الحجر آيه : ۴۷
- انفال ۴۶
- بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۴
- درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی، فاطمه براتلو و محمد صنایع، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۸.
- مهندسی تمدن اسلامی (الزامات و موانع)، عبدالعلی رضایی، چاپ اول، قم، انتشارات فخرولایت، ۱۳۸۶.
- مقابله با تهاجم فرهنگی، محمد مدنی بجستانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- جامعه شناسی غرب گرایي، علی محمد نقوی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی، محمد مددیپور، کتاب نقد، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷.
- تأملی بر مسأله [ای] وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر جنبش اتحاد اسلام، محمدحسین اردوش، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، ۱۳۸۴.
- علی احمدی، طلایه داران تقریب ۲ (شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۹
- مهدی مسائلی، پیشوایان شیعه پیشگامان وحدت، سپیده باوران، چاپ اول، ۱۳۹۰
- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، نوید اسلام، چاپ نهم، ۱۳۸۶